

# تحلیلی بر بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس در باره جزایر سه گانه ایران

## ■ چکیده

روابط بین ایران و کشورهای عربی منطقه در طول تاریخ از فراز و نشیبهای بسیار زیادی برخوردار بوده که وقوع جنگ تحمیلی در این میان در تشدید مخاصمات نقش بسزایی را داشته است. پس از اتمام جنگ تحمیلی اگر چه از دامنه این التهابات تا حدودی کاسته شد، اما تنشها هیچگاه به حد عادی و متعارف نرسید. در این میان سیاست تنش‌زدایی جمهوری اسلامی ایران که در پرتو اصل گفتگوی تمدن‌ها دنبال می‌شود، توانست تا حدودی مؤثر افتد که همکاری ایران و عربستان نمونه بارز آن است. البته این وضعیت نیز چندان پایدار نبوده و اعلامیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس در هجمه به ایران و گرایش به سوی امارات، از جمله مسائلی است که در تاریخ روابط ایران و کشورهای عربی منطقه مهم به حساب آمده و محتاج تحلیل جدی می‌باشد. نویسنده در این نوشتار با بررسی تاریخی موضوع به تحلیل نقاط ضعف بیانیه اخیر این شورا پرداخته و پاسخی علمی به سیاست نادرست کشورهای امضاء کننده بیانیه داده است.

## ■ فهرست مطالب

مقدمه	۱۱۴
الف- شورای همکاری خلیج فارس	۱۱۷
ب- تحلیل رفتار اخیر شورا	۱۲۲
ج- سیاستهای امارات و ایران در مورد جزایر سه گانه	۱۳۱
نتیجه گیری	۱۳۸
یادداشتها	۱۴۱

## ■ کلید واژه‌ها

جمهوری اسلامی ایران	.....
شورای همکاری خلیج فارس	.....
امنیت	.....
سیاست	.....
نظامی‌گری	.....
اقتصاد	.....

## مقدمه

جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک از زمانهای گذشته در قلمرو ایران بوده و در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی به طور مستقیم تحت صلاحیت و اداره ولایت لنگه، مدیریت می‌شده‌اند که خود یک بخش اداری از استان فارس بوده است.

در اواخر قرن ۱۹ اداره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک در دست قسمتی از قبیله قاسمی بود که قبلاً و در نیمه دوم قرن ۱۸ به سواحل ایران و در نزدیکی لنگه مهاجرت کرده بودند. دست کم مدت ده سال و تا ۱۸۸۷ میلادی مالیاتهای جزیره‌نشینان سیری و تنب بزرگ به دست ریسان قبیله جمع‌آوری می‌شد که پیشتر تابعیت ایران را پذیرفته بودند. استاد وزارت خارجه انگلیس مؤید این نکته است که در دهه ۱۸۸۰ میلادی شیوخ عرب بندر لنگه، زیر نفوذ دولت مرکزی ایران در تهران قرار داشتند.<sup>(۱)</sup>

در ۱۸۴۵، حاج میرزا آغاسی وزیر امور خارجه ایران ادعای ایرانی بودن آنها و جزایر خلیج فارس را مطرح ساخت. در ۱۸۸۶ وزارت جنگ انگلستان نقشه‌ای از خلیج فارس را تهیه کرد که در آن به وضوح ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک به همان رنگهای مربوط به سرزمین ایران نشان داده شده بود.<sup>(۲)</sup>

دولت ایران در دهه چهل خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) در یک دوره مذاکرات طولانی با دولت انگلستان شرکت کرده و در ۱۳۴۷ (۱۹۶۸) با اعلام حکومت بریتانیا در باره قصد عقب‌نشینی از خلیج فارس، ایران برای اعمال مجدد حاکمیت خود ترتیباتی را در پیش گرفت. یادداشت تفاهم تهیه شده مابین ایران و شارجه در ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) به

ایران این اجازه را داد که نیروهای نظامی خود را در مناطق استراتژیک ابوموسی مستقر نماید.<sup>(۳)</sup> در نهم آذر ۱۳۵۰ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۱) نیروهای مسلح ایران در سه جزیره پیاده شدند. روز بعد شکایت نامه‌ای به امضای ۲۱ کشور عربی در شورای امنیت ملل متحد طرح گردید. عراق و لیبی از حامیان سرسخت شکایت مزبور بودند. در مقابل، شورای امنیت با پیشنهاد موریتانی موافقت نمود که موضوع از مسیر دیپلماتیک، پی‌گیری گردد.

در فروردین ۱۳۷۱ (آوریل ۱۹۹۲) پس از بیست سال، رسانه‌های اماراتی ادعا کردند که مقامات تهران از ورود تعدادی کارگر هندی و پاکستانی که در استخدام شارجه بوده‌اند، به جزیره ابوموسی جلوگیری کرده‌اند. شورای عالی اتحادیه امارات در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۱ (۱۲ مه ۱۹۹۲) تشکیل جلسه داد و در انتها نتیجه گرفت که تعهدات خارجی هر یک از امارتهای شیخ‌نشین عضو امارات به مثابه تعهد اتحادیه امارات عربی متحده تلقی شده و بنابر این از این پس مسأله ابوموسی را وزارت خارجه فدراسیون امارات پی‌گیری خواهد نمود.

در مرداد ۱۳۷۱ (اوت ۱۹۹۲) گزارش شد که ایران از ورود بیش از یکصد آموزگار شارجه‌ای که همراه خانواده خویش در یک سفر تفریحی به ابوموسی رفته‌اند، جلوگیری کرده است. ایران در آن زمان اعلام کرد که این افراد تابعیت امارات را نداشته و بنابر این به روایت ورود به جزیره نیاز داشته‌اند. ایران در مقام حل مشکل سپس اجازه ورود به افراد مزبور را داد و در شهریور ۱۳۷۱ (سپتامبر ۹۲) مذاکراتی در ابوظبی راجع به رفع سوء تفاهم در مورد ابوموسی آغاز گردید، اما یکباره حکومت مرکزی امارات ادامه مذاکره را منوط به قبول این موضوع از طرف ایران دانست که سرنوشت هر سه جزیره به جای تنها جزیره ابوموسی می‌باید در دستور کار باشد.<sup>(۴)</sup>

در همان زمان، شیخ زاید، رییس حکومت امارات عربی متحده اعلام کرد که کشورش، منازعه با ایران را به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع می‌دهد و سپس، وزیر خارجه امارات، موضوع را در مجمع عمومی ملل متحد مطرح نمود. در همان ماه شورای همکاری خلیج فارس طی بیانیه‌ای از مواضع امارات به صورت کامل دفاع کرده

و در ۲۰ شهریور (۱۰ سپتامبر) همان سال، ۸ کشور عضو بیانیه دمشق یعنی شش کشور شورای همکاری خلیج فارس بعلاوه سوریه و مصر نیز بر بیانیه شورای همکاری کشورهای خلیج فارس صحنه گذاشته و ادعای حاکمیت امارات بر ابوموسی را تایید کردند. در برابر تبلیغات گسترده امارات و کشورهای نزدیک به امارات، آقای هاشمی رفسنجانی رییس جمهور ایران در ۱۳۷۰ (۱۹۹۲) اظهار داشت که "ایران از همه شما نیرومندتر است و برای گرفتن این جزایر باید از دریای خون بگذرید."<sup>(۵)</sup>

از آن پس امارات با یک طرح ریزی از پیش تعیین شده اولاً، اختلاف را از مالکیت بر ابوموسی به ادعای مالکیت بر سه جزیره گسترش داده و ثانیاً در سفر تمامی مقامات کشورهای دیگر به ابوظبی از آنان می‌خواست که در مورد اماراتی بودن جزایر به اظهار نظر پردازند. برای مثال در فاصله ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۸، ۸ تن از مقامات آمریکایی در مورد جزایر به اظهار نظر پرداختند. همگی آنان در ابوظبی و پس از اعلام عقد قراردادهای بلند مدت و بزرگ که اغلب در مورد تجهیزات نظامی بود، به این کار مبادرت ورزیدند.<sup>(۶)</sup>

از این دوران، حتی برخی از فعالیتهای معمول ایران در نقاط مختلف کشور از جمله در ابوموسی با واکنش شدید امارات رو به رو می‌گردید. برای نمونه در ۱۹ بهمن ۱۳۷۷ (۷ فوریه ۱۹۹۹)، تشکیل شورای اسلامی برای امور اجتماعی ابوموسی خشم ابوظبی را برانگیخت و از آن به مثابه نشانه‌ای از عدم حسن نیت مقامات ایرانی در ایجاد روابط بر اساس احترام متقابل یاد کرد.<sup>(۷)</sup> همچنین اقدامات دیگر ایران از جمله گشایش شعبه دانشگاه آزاد در ابوموسی و ساخت باند جدید فرودگاه باعث اعتراضات ابوظبی گردید.

## الف - شورای همکاری خلیج فارس

ایده شورای همکاری خلیج فارس پیشنهاد ایران در سال ۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۲) بود، اما کشورهای دیگر خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات عربی متحده و عمان که ایران را به تنهایی قوی و قدرتمند می‌دیدند،

تمایل به تجمع در یک سازمان منطقه‌ای که تفوق ایران را تشدید می‌نمود، نداشتند. علی‌الخصوص که نفوذ عراق در میان نخبگان و هیأت حاکمه کشورهای عرب خلیج فارس در آن زمان کتمان ناپذیر بود. به سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این بار ۶ کشور جنوب خلیج فارس، شورای همکاری را بدون ایران و عراق تشکیل دادند. در اجلاس هفدهم شورای همکاری خلیج فارس در ۱۳۷۵ (۱۹۹۶)، یکباره لحن شورا به شدت تند شده و از اشغال جزایر به دست ایران سخن به میان آمد. این مسأله خود حکایت از تلاش وسیع امارات برای کشاندن موضوع به سطح منطقه‌ای و از طریق اجلاس کشورهای عضو بیانیه دمشق به سطح عربی داشت.

از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷)، دو بار وزیر امور خارجه ایران، علی‌اکبر ولایتی به امارات سفر کرده و مقامات اماراتی در هر دو بار قول دادند که به تهران سفر کرده و مذاکره برای رفع اختلافات ادامه یابد، اما در عمل از انجام دادن سفر استنکاف نمودند.

انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ (۲۲ مه ۱۹۹۷)، در ایران و برگزیده شدن آقای خاتمی به ریاست جمهوری، سیاست خارجی ایران در منطقه را تغییر داد. برخی از صاحب‌نظران این تغییر را نه در محتوا بلکه در حد استفاده از لغات جدید<sup>(۸)</sup> و روشهای متمایز از گذشته مانند تأکید بر تشنج زدایی و یا همزیستی مسالمت آمیز می‌دانند و برخی دیگر تغییرات به عمل آمده در سیاست خارجی را محتوایی و به کلی متفاوت با گذشته ارزیابی می‌نمایند.<sup>(۹)</sup> برداشت وزیر خارجه امارات عربی متحده پس از ملاقات با رییس جمهور ایران در حاشیه اجلاس سران کشورهای اسلامی در چارچوب کنفرانس اسلامی در تهران در آذر ۷۶ (دسامبر ۹۷) آن بود که مقامات جدید ایران آماده مذاکره و مصالحه در مورد جزایر می‌باشند. متعاقب آن، کمال خرازی، وزیر امور خارجه ایران دوبار به امارات مسافرت نمود و هر دو بار ابوظبی قول داد که سفرها را پاسخ گوید که هیچ گاه عملی نگردد.

## ۱- روابط ایران و عربستان

ملاقات رییس جمهور وقت ایران، آقای هاشمی رفسنجانی در فروردین ۱۳۷۶ (مارس ۱۹۹۷) با امیر عبدالله، ولیعهد عربستان سعودی در حاشیه اجلاس کنفرانس اسلامی در اسلام آباد پاکستان سرفصل جدیدی در روابط دو کشور بزرگ منطقه یعنی ایران و عربستان و برداشته شدن موانع ایجادی عربستان بر سر راه تشکیل اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران بود. و سپس روی کار آمدن دولت آقای خاتمی و سیاستهای اعلامی وی در صحنه روابط خارجی، بستر لازم برای ارتقای روابط ایران و سعودی را فراهم ساخت. سفر آقای هاشمی به سعودی و سپس سفر آقای خاتمی در اردیبهشت ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) و تلاشهای مداوم دو کشور، روابط ایران و عربستان را گسترده، گرم و به سطوح دراز مدت و امنیتی ارتقاء داد. تأثیر این روابط بر مسأله جزایر و مسکوت ماندن ادعاهای امارات بر اثر شوک ناشی از این روابط در چند ماه اول ۱۳۷۶، تا آن حد برای امارات نگران کننده بود که در جلسات شورای همکاری و در مصاحبه‌ها، مقامات امارات به شدت به نحوه عمل عربستان اعتراض کردند. عربستان در برابر به ادعاهای امارات پاسخ گفت و امیر عبدالله، ولیعهد سعودی و امیر سلطان، وزیر دفاع نیز بر ادامه روابط گرم با ایران تأکید ورزیدند.<sup>(۱۰)</sup> در یک رویارویی آشکار، وزیر دفاع عربستان در پاسخ راشد عبدالله وزیر خارجه امارات گفت که "جاهل در هر صورت دشمن خویشتن است."<sup>(۱۱)</sup> قطر با میانجی‌گری مابین امارات و سعودی توانست از بدتر شدن روابط این دو کشور جلوگیری نماید. عمان نیز از موضع امارات حمایت کرده و یوسف بن علوی وزیر خارجه این کشور گفت که "امارات حق دارد که گله‌مند باشد... و ما موضع ایران را به کلی رد می‌کنیم."<sup>(۱۲)</sup>

## ۲- تشکیل کمیته سه‌جانبه

هفتاد و یکمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۸ (۱۰ مه ۱۹۹۹) به دلیل اختلافات شدید امارات و عربستان سعودی بر

سر روابط کشورهای عضو شورا با ایران، بدون صدور بیانیه پایانی خاتمه یافت. در جلسه عادی وزیران خارجه عضو شورای همکاری خلیج فارس در ریاض در تیرماه ۱۳۷۸ (ژوئیه سال ۱۹۹۹)، بیانیه‌ای با عنوان بیانیه هفتاد و یکمین اجلاس منتشر شده و برای دلجویی از امارات و خواست این کشور مبنی بر فراموش نشدن مسأله جزایر با توجه به روابط گرم ایران با کشورهای عرب خلیج فارس، مقرر گشت که کمیته‌ای متشکل از وزیران خارجه سه کشور عربستان، عمان، قطر به همراه دبیر کل شورای همکاری موضوع جزایر را پی‌گیری، فضای لازم برای ازسرگیری مذاکرات میان امارات و ایران را آماده و نتیجه را به اجلاس مشورتی سران شورای همکاری که در اردیبهشت ۱۳۷۹ (مه ۲۰۰۰) در مسقط برگزار گردید، گزارش کند. وزیر خارجه امارات پس از ترک جلسه از مدت زمان معین برای رسیدن به نتیجه که به ادعای او دو ماه تصویب شده است، سخن گفت. اما وزیر خارجه عربستان گفته بود که ممکن است ماموریت این کمیته سالها طول بکشد.

به هر رو، کمیته سه جانبه در ۱۹ تیر ۱۳۷۸ (۹ ژوئیه ۱۹۹۹) در جده تشکیل جلسه داده و بنا بر خبر خبرگزاری فرانسه، کمیته تصمیم گرفت که با ایران تماس مستقیم برقرار کرده و کار کمیته را برای ایران توضیح دهد. به همین جهت وزیر خارجه قطر رهسپار تهران گردید. تهران، شرط استقبال از وزیر قطری را، ماموریت وی در زمینه روابط دوجانبه و نه مسأله کمیته سه جانبه ذکر نمود. ایران، تشکیل کمیته را برای حمایت از امارات تلقی کرده و بنا بر این نقش واسطه‌ای بیطرف را برای این کمیته قائل نشد.<sup>(۱۳)</sup>

در تیر ماه همان سال، وزیر خارجه ایران به عربستان سفر کرد و مقامات سعودی راجع به این کمیته برای او توضیح دادند. اخبار رسیده حاکی از آنست که مقامات سعودی، نظرات امارات را به مثابه واقعیتهای موجود به طرف ایرانی منتقل نمودند. از آن پس در جلسات متعدد وزیران خارجه و همچنین اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس، امارات عربی متحده پیوسته از عدم پیشرفت کار کمیته سه جانبه

و تلاش ایران برای مسکوت ماندن موضوع جزایر شکوه کرده و ناراحتی خود را ابراز می‌نمود. در آبان ماه ۱۳۷۹ (نوامبر ۲۰۰۰)، سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان سعودی به تهران سفر کرده و با رییس جمهور اسلامی ایران ملاقات و پیام امیر عبدالله، ولیعهد سعودی را به وی ابلاغ کرد. گفته می‌شود که این پیام، حاوی درخواست سعودی جهت تلطیف موضع ایران در مورد فعالیت کمیته سه جانبه بود. به هر روی تصور می‌رود که موضع جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با جزایر به لحاظ آن که امری ملی و مرتبط با تمامیت ارضی ایران بود، همچنان انعطاف ناپذیر باقی بماند.

### ۳- اجلاس بیست و یکم سران

شورای همکاری خلیج فارس، بیست و یکمین نشست سران خود را در منامه پایتخت بحرین در ۱۰ و ۱۱ دی ماه ۱۳۷۹ (۳۰ و ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰) به پایان رسانید. در بیانیه پایانی این نشست، علاوه بر حمایت از موضع امارات در مسأله جزایر سه‌گانه، ایران را به شدیدترین وجه محکوم ساخته و به اجلاس آتی وزیران خارجه عضو شورا ماموریت داد تا کلیه راههای مسالمت آمیزی را که در اختیار دارد برای اعاده حقوق قانونی امارات عربی متحده در مورد جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به کار گیرد.

در این بیانیه راجع به سه جزیره و سایر امور مربوط به ایران چنین آمده است:

“شورای عالی به گزارش مطروحه کمیته سه جانبه در مورد ایجاد سازوکاری برای آغاز مذاکرات مستقیم به منظور حل مسالمت‌آمیز قضیه اشغال جزایر سه‌گانه متعلق به امارات عربی متحده به دست ایران گوش فرا داد. در گزارش مزبور به این نکته اشاره شده که ایران به تعامل با کمیته سه جانبه در باره ماموریت محوله شورای همکاری خلیج به آن، مخالفت ورزیده و این امر بر مخالفت ایران با ابتکارهای مسالمت‌آمیز گذشته طرف اماراتی تأکید دارد. پس از ارزیابی همه جانبه ایران در باره تحولات قضیه اشغال جزایر سه‌گانه، شورای عالی تصمیم گرفت شورای وزیران را مکلف به بررسی تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز موجود جهت بازگرداندن حقوق



مشروع دولت امارات در جزایر سه گانه مربوط به خود یعنی تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی که همچنان تحت اشغال ایران قرارداد، بر اساس مبانی زیر نماید:  
- تأیید و حمایت از حقوق امارات در جزایر سه گانه اشغالی و رد ادامه اشغال جزایر متعلق به امارات به دست ایران.

- تأکید بر حاکمیت کامل دولت امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه به اعتبار این که این جزایر جزء جدا ناپذیر سرزمین دولت امارات بوده و به رسمیت شناختن هرگونه حاکمیت دیگری بجز حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه، آبهای سرزمینی، فضای ماوراء آن، فلات قاره و منطقه ویژه اقتصادی متعلق به جزایر.  
- رد ادعای ایران در باره جزیره ابوموسی و اقداماتی که ایران در این جزیره به اجرا درآورده و تسلی این امور به مثابه گامهایی که امنیت و ثبات را در منطقه تهدید کرده و تشنج را افزایش می دهد و موجب تهدید امنیت و صلح بین المللی می گردد و تأکید بر مخالفت قاطع کشورهای شورای همکاری با ادامه اشغال دو جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک.

- محکوم کردن تجاوزات و رزمایشهای نظامی ایران که آنها را در جزایر سه گانه اشغالی و متعلق به امارات و آبهای سرزمینی آن برگزار می نماید و درخواست از ایران جهت متوقف ساختن برگزاری این گونه رزمایشها که اقداماتی تحریک آمیز و تهدیدگر امنیت و ثبات در خلیج به شمار می رود و خود منبع نگرانی بوده و به اعتماد سازی کمک نمی نماید.  
- تأیید کلیه اقدامات امارات به منظور بازگرداندن حاکمیت خود بر جزایر سه گانه از طریق مسالمت آمیز با استناد به اصل امنیت جمعی کشورهای عضو شورای همکاری انجام داده و دعوت از جمهوری اسلامی ایران برای قبول پذیرش ارجاع اختلاف به دیوان بین المللی دادگستری. (۱۴)

در ۱۳ دی ماه ۱۳۷۹ (۲ ژانویه ۲۰۰۱)، سه روز پس از انتشار بیانیه مزبور، روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی به نقل از یک مقام بلند پایه سعودی که نخواست نامش فاش شود اعلام کرد که "به زودی کشورهای عضو شورای همکاری دست به تحرک مشترکی برای حل مسأله جزایر اشغال شده سه گانه امارتی خواهند زد... از جمله متوقف کردن همکاریهای اقتصادی و بازرگانی و حتی قطع روابط سیاسی کشورهای

عضو شورای همکاری و ایران از جمله این اقدامات است.<sup>(۱۵)</sup> در روزهای بعد، مقامات سعودی این خبر را کاملاً تکذیب کردند.

در ماه بعد یک مقام سعودی از پایان مسؤولیت کمیته سه جانبه برای کشاندن امارات و ایران به پای میز مذاکره خبر داده و گام بعدی را مربوط به بحرین دانست. بحرین در حال حاضر ریاست ادواری شورای همکاری خلیج فارس را به عهده دارد. مطابق این نظر بحرین باید سیاست مشترک شورای همکاری خلیج فارس را به گوش جهانیان برساند.<sup>(۱۶)</sup>

## ب- تحلیل رفتار اخیر شورا

ارزیابی صاحب‌نظران از بیانیه مزبور بر شدت و صراحت بیشتر این بیانیه نسبت به مواضع گذشته شورا دلالت دارد. به ویژه پس از انتخابات دوم خرداد در ایران که شورای همکاری همواره از توسعه روابط با ایران سخن گفته، این موضعگیری، شورا را نه مثابه یک میانجی بلکه یک متحد نزدیک امارات مطرح ساخته و برای اولین بار شورا از شناسایی نکردن حاکمیت ایران بر جزایر و ملحقات حقوقی آن از جمله آب و فضا سخن می‌گوید. محکومیت ایران نیز بارها در این بیانیه تکرار شده و از مذاکرات مستقیم که در گذشته خواهان آن بود، دیگر ذکری به میان نیامده است. آیا از مجموعه اظهار نظرهای مقامات کشورهای مزبور می‌توان نتیجه‌گیری نمود که از این پس شورای همکاری خلیج فارس و یا ریاست دوره‌ای آن بجای کمیته سه جانبه مسؤولیت پی‌گیری مسأله جزایر را به عهده دارد؟

به نظر می‌رسد که چند عامل در مورد موضع اخیر شورای همکاری خلیج فارس قابل تأمل باشد:

۱- تعامل نزدیک تهران و مسکو: گرچه روابط ایران و روسیه تزاری، اتحاد شوروی و سپس جمهوری فدراتیو روسیه در اکثر اوقات روابط نزدیک و نیرومندی بوده است،

اما تحولات این روابط در پی پیروزی ولادیمیر پوتین در صحنه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) و پس از آن، موقعیت ویژه‌ای یافته است. اقدامات پوتین در فاصله کوتاه ریاست جمهوری حاکی از احیای مجدد نقش روسیه در عرصه نظام بین‌المللی است. راه‌اندازی مجدد گشتهای دریایی روسیه در اقیانوسها، توجه به صنایع فضایی، پیشنهاد فروش هواپیمای جنگنده به اتریش که یکی از کشورهای عضو ناتو است و مخالفت با طرح دفاع موشکی ملی آمریکا نشانه‌هایی از حضور در صحنه جهانی است. همچنین فعالیت ابتکاری در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، تعریف روابط جدید با کشورهای مستقل مانند چین و هند، نزدیک شدن به کشورهای به جا مانده از شوروی سابق مانند ترکمنستان و آذربایجان نشانه‌ای از تجدید حیات دیپلماسی روسیه در خارج نزدیک است. در خصوص جمهوری اسلامی ایران، اولین حکمی که پوتین پس از انتخاب به مقام ریاست جمهوری امضاء کرد، مربوط به برطرف کردن موانع همکاریهای هسته‌ای روسیه و ایران بود.<sup>(۱۷)</sup> همچنین در ماه آبان ۱۳۷۹ (نوامبر ۲۰۰۰)، روسها به بهانه آن که آمریکائیا محتواي توافق مربوط به محدود ساختن همکاریهای ایران و روسیه موسوم به کمیسیون چرنومردین-گور که در ۱۹۹۵ بین نخست وزیر روسیه و معاون رییس جمهور آمریکا منعقد شده بود را علنی ساخته‌اند، از ادامه تعهدات خود در این مورد خودداری کردند. در زمینه این توافق، روسیه متعهد شده بود که از تحویل سلاحهای متعارف پیشرفته به ایران از سال ۱۹۹۹ به بعد خودداری و در عوض آمریکا تعهد کرده بود که از تحریم روسیه به لحاظ فروش سلاح به ایران تا سال ۱۹۹۹ خودداری ورزد.<sup>(۱۸)</sup> روسیه به ایران چونان یک کشور مهم منطقه که دارای سیاستهای ضد غربی است نگاه می‌کند. در واپسین روزهای سال ۲۰۰۰، مارشال ایگور سرگیف، وزیر دفاع روسیه دیداری رسمی از تهران انجام داد. این دیدار با توجه به روابط نزدیک روسیه و ایران در میان برخی از دیگر کشورها از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس با حساسیت دنبال شد. گرچه در سفر سرگیف، قرارداد جدیدی بین دو کشور امضاء نگردید، اما ایالات متحده آمریکا نگرانی خود را از

دسترسی ایران به جنگ‌افزارهای پیشرفته و از جمله سلاحهای هسته‌ای که توازن را در منطقه خاورمیانه تغییر می‌دهد، ابراز داشت.<sup>(۱۹)</sup> مطابق برخی از منابع، حجم همکاریهای نظامی ایران و روسیه در سال ۲۰۰۱ به ۳۰۰ میلیون دلار می‌رسد که با قراردادهای چند میلیارد دلاری نظامی امارات عربی متحده قابل مقایسه نیست،<sup>(۲۰)</sup> اما نباید از نظر دور داشت که ترکیب نیروی انسانی مجرب و تسلیحات متوسط در ایران از تسلیحات پیشرفته ولی بدون نیروی انسانی ماهر در کشورهای حاشیه خلیج فارس مؤثرتر است. به هر رو دیدار آتی رییس جمهور ایران از روسیه نیز در نظر کشورهای خلیج فارس قابل تأمل است.

**۲- وضعیت جسمانی شیخ زاید:** شیخ زاید بن سلطان آل نهيان، حاکم ابوظبی، یکی از هفت امارت تشکیل دهنده امارات، تنها رییس جمهور و رهبر کشور امارات عربی متحده از زمان تشکیل در ۱۹۷۱ تاکنون بوده است، گرچه مطابق قرارداد مابین حکام امارات مدت ریاست جمهوری پنج سال می‌باشد، نخست وزیر، شیخ مکتوم بن راشد آل مکتوم حاکم دومی است. در این کشور که کمتر از سه میلیون نفر جمعیت دارد، اکثر درآمدهای نفتی متعلق به شیخ نشین ابوظبی بوده که ۷۵ درصد درآمدهای دولت فدرال را تأمین می‌کند و به همین جهت حاکم ابوظبی بر شؤن متعدد امارات تسلط دارد. به نظر می‌رسد که توافق شده است که رییس جمهور همواره حاکم ابوظبی بوده و نخست وزیر حاکم دومی که از لحاظ اقتصادی و تجاری از دیگر امارتها وضعیت بهتری دارد. شورای عالی متشکل از هفت حاکم، بالاترین نهاد حکومتی می‌باشد که در سال چهار بار تشکیل جلسه داده و مسؤولیت انتخاب رییس جمهور به عهده این نهاد می‌باشد. شیخ زاید که اکنون ۸۳ سال دارد، از بیماریهای متعدد رنج می‌برد. از تابستان گذشته پس از ۶ هفته اقامت در ژنو، وی به آمریکا رفت و در بیمارستان کلیولند برای پیوند کلیه تحت عمل جراحی قرار گرفت. یک روزنامه محلی سپس ادعا کرد که وی به دلیل شکسته شدن استخوان سرین بر اثر پرت شدن در همان شهر نیز تحت

مداواست.<sup>(۲۱)</sup> متخصصین پیری پزشکی می‌گویند که پیری خود مانعی بر سر راه پذیرش یک عضو جدید مانند کلیه در بدن یک انسان مسن است. چند نفر برای جانشینی او موجود هستند. شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان فرزند بزرگ شیخ زاید و ولیعهد ابوظبی در رقابت با دو تن از برادران جوانتر خود یعنی، شیخ سلطان بن زاید معاون نخست وزیر و شیخ محمد بن زاید رییس ستاد مشترک هستند. شیخ زاید در مذاکرات خود با دیگران بارها بر رسیدن به این آرزو که قبل از مرگ شاهد بازگرداندن این سه جزیره باشد تأکید کرده است. تحولات مربوط به سه جزیره در امارات در قالب ساختار قدرت و اراده معطوف به قدرت شکل می‌گیرد. خانواده زاید در این تصور هستند که هرگونه پیشرفت در امر جزایر، موقعیت آنان را در رأس هرم قدرت در امارات تقویت می‌نماید.

۳- پیمان امنیتی تهران - ریاض: دو کشور ایران و عربستان سعودی در پی تحول در روابط در سالهای اخیر اقدام به تدوین یک پیمان امنیتی نمودند. این پیمان در مورد مبارزه با جرایم، ثقل در پول، قاچاق مواد مخدر و تروریسم و همچنین بازرسی مرزهای آبی و آبهای سرزمینی است.<sup>(۲۲)</sup> گر چه چنان که از مفاد این پیمان برمی‌آید مسائل اساسی همچون نگرانیهای امنیتی مربوط به مرزها، حمله به یکی از دو کشور و یا حضور نیروهای خارجی در این توافق وجود ندارد، اما به هر رو این اولین بار است که ایران و یکی از شیخ نشینهای خلیج فارس به چنین اقدامی دست می‌یازند. امیر نایف، وزیر کشور سعودی در مصاحبه با الشرق الاوسط اظهار داشته است که در این توافق هیچ گونه بعد نظامی مربوط به امنیت خلیج فارس بحث نشده است. این توافق در سفر قریب الوقوع نایف به تهران امضاء خواهد گردید.<sup>(۲۳)</sup>

۴- پاسخ ندادن تهران به فعالیتهای کمیته سه جانبه و پایان زمان احتمالی تعیین شده در شورای همکاری خلیج فارس: واقعیت آن است که تشکیل کمیته

سه جانبه به اجلاس ۷۱ عادی وزیران خارجه در تیرماه ۱۳۷۸ باز می‌گردد. گرچه در مورد زمان پاسخ نظرات متعددی بیان شده است، اما به هر رو شورای همکاری انتظار داشت که حداکثر ظرف یکسال پاسخ مناسبی از ایران در زمینه کمیته سه جانبه بشود. به صورت کلی می‌توان این نظر ایران را منطقی دانست که در صورتی که برای رفع اختلاف مابین دو طرف، کسان دیگری مایل به میانجی‌گری می‌باشند، اولین قدم در این راه آن است که در مورد میانجی نیز با دو طرف مشورت نمایند. شواهد نشان می‌دهد که تشکیل کمیته سه جانبه با مشورت ایران نبوده است. در طول یکسال و نیم گذشته، ایران مصلحت ندیده که در مورد تشکیل کمیته و دستور کار آن مواضع صریح و آشکاری را اتخاذ نماید. تنها در این اواخر چند موضعگیری در خصوص این کمیته دیده شد. کمال خرازی در یکی از مصاحبه‌های خود عنوان کرد که "این کمیته از آن جهت شکل گرفت که از امارات پشتیبانی نموده و نمی‌توانست نقش یک میانجی بی طرف را بازی نماید."<sup>(۲۴)</sup>

۵- تغییرات در هیأت حاکمه آمریکا: در ژانویه سال ۲۰۰۰ رییس جمهور جدید آمریکا جرج دبلیو بوش وارد کاخ سفید شده و گروه کاری سیاست خارجی او مشغول ارزیابی امور خارجی آمریکا گردیدند. پنج شخصیت اساسی این گروه در مورد سیاست خارجی عبارتند از دیک چینی معاون رییس جمهور، خانم کاندولیزا رایس مشاور امنیت ملی کاخ سفید، ژنرال کالین پاول وزیر امور خارجه، دونالد رامسفیلد وزیر دفاع و اسپنسر آبراهام وزیر امور انرژی. بزرگترین نگرانی برای کشورهای حاشیه خلیج فارس آن است که مبادا روزی روابط ایران و آمریکا به حالت عادی بازگردد؛ زیرا در این صورت دیگر نمی‌توانند از حاشیه سود حمایت مطلق آمریکا از خود در برابر ایران مطمئن باشند. به همین دلیل در مورد تحولات مربوط به هیأت حاکمه آمریکا، امارات گمان می‌برد که گذشت زمان به نفع او نیست<sup>(۲۵)</sup> و هرچه زودتر بتواند مسأله جزایر را

به مرحله جدی‌تری در سیاست بین‌الملل ارتقاء دهد می‌تواند به آینده بیشتر امیدوار باشد.

به صورت کلی دو دیدگاه در مورد آینده روابط ایران و آمریکا در بخش مربوط به تصمیم‌گیری در واشنگتن و در زمینه خلیج فارس متصور است:

دیدگاه اول بر این پایه استوار است که دو جریان اساسی در آمریکا از رییس جمهور آمریکا و تیم او که برخاسته از حزب جمهوری خواه می‌باشند، توقع داشته که به نفع این دو جریان سیاستها را تغییر دهند. یکی گروه شرکتها و افراد با نفوذ در صحنه انرژی جهان هستند که بدانها "نفتیها" گفته و دیگری مجموعه عوامل دخیل در مسائل استراتژیک و نظامی که بدانها "نظامیها" می‌گوئیم. در هر دو مورد می‌توان انتظار داشت که نقش و اهمیت ایران بیشتر از آن مقداری باشد که برای گروه پیشین یعنی حزب دمکرات بود.

"نفتیها" شدت بدنبال استفاده از فضای باز و پر سود در صنایع نفت و گاز ایران هستند. چیزی که به لحاظ تحریمهای مکرر ایران توسط آمریکا، شرکتهای آمریکایی تاکنون از آن محروم بوده‌اند. این مسأله علاوه بر فرصتهایی که برای شرکتهای نفتی در خلیج فارس و فلات ایران فراهم خواهد آورد، رفع تحریمها، باعث سودمندتر شدن فعالیتهای شرکتهای بزرگ نفت و گاز آمریکا در دریای خزر نیز خواهد گشت. بوش در صحنه انرژی بدنبال امنیت انرژی است، چیزی که در حال حاضر با کمبود ظرفیتهای جدید برای افزایش تولید و همچنین افزایش پالایش به نقطه بحرانی نزدیک می‌گردد. در این جهت، بوش در داخل آمریکا مدافع باز نمودن مجدد اراضی و به خصوص در نقاط حفاظت شده آلاسکا بوده و در خارج از آمریکا او به بدنبال تعامل با کشورهای تولید کننده نفت برای تضمین وجود ظرفیت اضافی است.<sup>(۲۶)</sup>

در بخش نظامی می‌توان تصور کرد که سه گروه عمده در صنایع نظامی آمریکا فعال هستند: اول مجموعه شرکتها و صنایع تسلیحاتی آمریکا که طرف قرارداد با وزارت دفاع آمریکا و یا فروشنده سلاح به کشورهای دیگر هستند. دوم، پنتاگون و یا

وزارت دفاع آمریکا که به دنبال ارتقاء سطح تسلیحات آمریکا و اتخاذ سیاستهایی برای نحوه تعامل با کشورهای دیگر است. گروه سوم، کمیسیونها و کمیته‌های تخصصی نظامی در مجلس نمایندگان و سنای آمریکاست که مسائل این بخش از حساسیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. مسأله اساسی برای این مثلث آن است که چگونه می‌توان در راه رسیدن به اهداف آمریکا، ارزیابی اقتصادی پروژه‌ها را انجام داد. ایران با جمعیتی چند برابر کل کشورهای حاشیه خلیج فارس و وسعتی عظیم و مرزهای گسترده، بدون تردید نیازمند سلاحهای متعارف بیشتری است. پاول می‌گوید که "تیم امنیت ملی ما در حال بررسی این موضوع است که چگونه می‌توان با تهران گفتگوهای بیشتری انجام داد." (۲۷) خصوصاً آن که اساس تکنولوژیک نیروهای مسلح ایران بر پایه فناوری غربی شکل گرفته و نگرانیهای مشروع ایران به خصوص در برابر همسایگانی همچون عراق که به صورت منبع تهدید مداوم در منطقه عمل می‌نمایند، پوشیده نیست.

دیدگاه دوم بر این پایه استوار است که ایران در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. گروه‌های فشار یهودی در آمریکا به دنبال آن هستند که حال که دولت آمریکا برای توجیه هزینه‌های طرح بزرگ دفاع موشکی نیاز به معرفی یک کشور دشمن داشته و روسیه با رفتار نسبتاً همراه خود با غرب نمی‌تواند توجیه گر هزینه‌های بزرگ این طرح برای مردم آمریکا باشد، بنابر این یافتن یک یا چند کشور دیگر که بتوان از آنان تصویر مخوف و ترسناک در رسانه‌های آمریکایی ساخت، از اهمیت زیادی برخوردار است. در این زمینه، هرگونه تحول در زمینه سلاحهای موشکی در ایران بلافاصله با هیاهوی این رو به رو گشته و آنان از دستیابی ایران به سلاحهایی که می‌تواند هم اکنون به اسرائیل رسیده و در آینده نزدیک تا آمریکا نیز برسد سخن می‌گویند. هر گونه بی‌سیاستی ایران در اعلام مواضع و یا تبلیغ بیش از اندازه در مورد دستاوردهای تسلیحاتی و فعالیتهای نظامی موجب حساسیت ویژه در واشنگتن خواهد گردید. در این دیدگاه، احتمال همسو شدن جریان فشار صهیونیستی و گروه‌های فشار عربی در آمریکا برای متهم نمودن ایران به فعالیتهای غیر متعارف تسلیحاتی و سپس نشانه رفتن



انگشت اتهام به سوی ایران زیر عنوان یک کشور برهم زنده نظم جهانی موجود کم نیست.

۶- نزدیکی برخی از کشورهای عضو شورا به عراق: در بیانیه پایانی اجلاس سران عضو شورای همکاری خلیج فارس، لحن نرم و منعطف بیانیه نسبت به عراق و در مقابل لحن شدید نسبت به ایران قابل توجه است. در این بیانیه از عراق خواسته شده است که با هیأت بررسی کننده سازمان ملل متحد در مورد تسلیحات، مجدداً همکاری نموده، امنیت و حاکمیت کویت را محترم شمرده و اسرای کویتی را آزاد سازد.<sup>(۲۸)</sup> از طرف دیگر به تدریج حس نزدیکی به عراق در میان سواحل جنوبی به صورت جدی مطرح می‌شود. علیرغم تکرار ادعاهای رهبری عراق مبنی بر انفکاک‌ناپذیری کویت از سرزمین عراق<sup>(۲۹)</sup> و در طرف مقابل، کویت که همچنان عراق را دشمن خود می‌پندارد، رفته رفته دیگر کشورهای عرب به بغداد نزدیک می‌شوند. حس همدردی با مردم عراق و از میان برداشتن تحریمهای دهساله این کشور در کشورهای جنوبی خلیج فارس و به خصوص در امارات، بحرین، عمان و قطر نیرومند است. تردد کشتیهای تجاری و نفتکش مابین امارات و عراق قابل توجه است. عراق با داشتن نیروی نظامی ۴۲۲ هزار نفری همچنان [برای اعراب] از لحاظ قدرت نظامی در خلیج فارس یکی از کشورهای مطرح می‌باشد.

۷- اختلافات مابین کشورهای عضو شورای همکاری: واقعیت آن است که در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس اختلافات متعددی دیده می‌شود:

اولاً، تمامی اعضاء حداقل یک اختلاف مرزی با یکی دیگر از اعضای شورا و یا همسایگان خود دارند؛ برای مثال برخوردهای مرزی مسلحانه بین قطر و عربستان سعودی در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ اتفاق افتاد. در سالهای ۱۹۹۵، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ مابین عربستان سعودی و یمن، منازعات مرزی شدید روی داد. اگر بخواهیم منازعات مرزی

در منطقه را به آمار درآوریم، شش منازعه جدی در دهه ۱۹۹۰ وجود داشته است: اختلافات سعودی و قطر در مورد حدود ۲۵ کیلومتر از اراضی مابین، عربستان سعودی و یمن بر سر اراضی مرزی نزدیک به خط مابین یمن جنوبی و شمالی، بحرین و قطر در مورد جزایر حواری و صخره‌های اطراف آن، عراق و کویت بر سر جزایر ورهبه و بویان و ام القصر، عمان و امارات عربی متحده، عربستان و امارات، عربستان و عمان.<sup>(۳۰)</sup> از کل این اختلافات تا کنون تنها سه مورد آخر آن در ۱۹۹۲، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ به مصالحه و توافق قابل قبول جهت طرفین رسیده است. اختلافات ارضی مابین عربستان و امارت بدین صورت پایان پذیرفت که شیخ زاید حوزه نفتی «ذره» را به ریاض واگذار نموده و به جای آن حاکمیت امارات بر واحه «بریمی» را عربستان به رسمیت شناخت.<sup>(۳۱)</sup>

ثانیاً ستیزه‌های موجود مابین امارات عربی متحده و عربستان سعودی در مسائلی مانند روابط با ایران و عراق قابل ملاحظه است. امارات در قبال از تشکیل کمیته سه جانبه و در آغاز گرم شدن روابط ایران و عربستان به صورت جدی تهدید به خروج از شورای همکاری نموده بود.

**۸- امضای پیمان دفاعی - امنیتی مشترک مابین کشورهای عضو شورای همکاری:** این پیمان که عربستان سعودی از گذشته خواهان آن بود، در جلسه بیست و یکم سران تصویب گردید. پیمان مزبور تجاوز به یکی از کشورهای عضو را تجاوز به همه کشورهای عضو تلقی می‌نماید. این پیمان در حالی امضاء می‌گردد که کشورهای عضو می‌دانند که در مقابل نیروهایی مانند عراق هیچکدام از کشورهای عضو تاب مقاومت ندارند که نمونه آن را در جنگ دوم خلیج فارس و سقوط کویت در ۴ ساعت دیدیم. اما به هر روی خرید ۱۵ میلیارد دلار سخت افزار نظامی در سال ۱۹۹۹ نشانه‌ای از اشتیاق کشورهای خلیج فارس برای رسیدن به توازن با عراق و ایران است.<sup>(۳۲)</sup> به نظر می‌رسد که در زمان حمله عراق به کویت برتری نظامی عراق نسبت به کل

نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس ۵ به ۱ بود.<sup>(۳۳)</sup> در عمل نیز کشورهای عضو از لحاظ نظامی و امنیتی کاملاً به حضور نیروهای نظامی خارجی به خصوص آمریکا در منطقه وابسته می‌باشند. هم اکنون ۲۵۰۰۰ نفر از نیروهای آمریکایی در منطقه مستقر هستند.<sup>(۳۴)</sup> به دلیل کم جمعیت بودن کشورهای مزبور، شتاب آنان برای دست یازی به قدرت، درآمد سرشار ناشی از بالا رفتن قیمت نفت و تجربه موفق نیروی هوایی و جنگ موشکی در جریان تهاجم متحدین به عراق، بتدریج کشورهای مزبور به خرید تجهیزات جهت نیروی هوایی روی آورده اند. این پیمان می‌باید از تصویب مجالس آن دسته از کشورهایی که دارای پارلمان هستند نیز بگذرد و تاکنون تنها در بحرین این فرآیند انجام شده است.<sup>(۳۵)</sup> شورا به دنبال آن است که نیروهای واکنش سریع خود را که تحت نام سپر جزیره با تعداد ۵۰۰۰ نفر در ۱۹۸۸ تشکیل شده است به ۲۲۰۰۰ نفر برساند.<sup>(۳۶)</sup> این تعداد برای امنیت و صیانت از منطقه وسیع و ثروتمندی همچون خلیج فارس تنها حالت نمادین داشته و اندازه نیرو به خوبی نمایانگر اتکای کشورهای مزبور به نیروهای خارجی جهت امنیت منطقه می‌باشد. همزمانی این پیمان با محکومیت ایران نشانه‌ای دال بر امتیاز متقابلی است که عربستان در این اجلاس در برابر قبول محکومیت ایران از کشورهای متمایل به روش امارات به دست آورده است.

### ج- سیاستهای امارات و ایران در مورد جزایر سه گانه

دو کشور امارت عربی متحده و ایران در زمینه جزایر سه گانه و نحوه برخورد با بیانیه شورا رفتارهای گوناگون داشتند.

#### ۱. سیاستهای امارات:

امارات عربی متحده در یک دوره سی ساله به تدریج در جهت نیرومند شدن گام برداشته است. می‌توان گفت که این کشور در این دوره با درآمدی نزدیک به ۳۰۰ میلیارد دلار با جمعیتی کمتر از ۳ میلیون نفر توانسته است در دو بخش نظامی و

دیپلماتیک به اهداف نسبی خود دست پیدا نماید. در حالی که در طول سالهای گذشته شاهد کاهش درآمد نفت بودیم، اما امارت عربی متحده هزینه‌های نظامی خود را از ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به ۳/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسانید. خرید ۸۰ جت جنگنده اف-۱۶ که در ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰ نهایی گردید، هزینه‌ای بالغ بر ۶/۴ میلیارد دلار به امارات تحمیل نمود. زمان تحویل این هواپیماها از سال ۲۰۰۴ می‌باشد. همچنین در معامله دیگری با روسیه، امارات حدود یک میلیارد دلار سیستمهای دفاع هوایی و موشکهای زمین به هوا خریداری می‌کند. به فرانسه نیز حدود نیم میلیارد دلار تانک سفارش داده شده است.<sup>(۳۷)</sup> هدف اصلی از سیاستهای امارات در سالهای اخیر آن است که به هر صورت ممکن، مانع برقراری روابط نزدیک مابین تهران و پایتختهای کشورهای عرب خلیج فارس تا قبل از رسیدن به خواست خود در به اصطلاح بازگرداندن سه جزیره گردد. نشریه اخبار الساعه که در مرکز دولتی مطالعات استراتژیک ابوظبی منتشر می‌گردد، می‌نویسد: "بعضی حقایق نمایانگر مقاصد حقیقی رژیم ایران از نزدیک شدن به کشورهای عضو شورا است و حکایت از آن دارد که این ورود به صورت طبیعی به خانواده خلیجی نیست، بلکه هدف از آن مصالح ذاتی تهران و پراکندن روحیه تفرقه و اختلاف بین برادران در شورای همکاری است."<sup>(۳۸)</sup> کشورهای که دارای هدف روشن و مشخصی هستند، در سالهای اخیر از مجموعه هماهنگ و همگن عملیات دیپلماتیک و نظامی بهره می‌برند.<sup>(۳۹)</sup> امارات عربی متحده از ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) در یک دشمنی آشکار با ایران به دلیل مسأله جزایر به هشت سطح از سیاستگذاری دست یازیده است.

سطح اول که مربوط به سیاستهای داخلی این کشور است، با گرفتن ابتکار عمل از امارتهای مختلف که به صورت تاریخی ایران می‌باید با آنها وارد گفتگو شود، و جمع‌آوری همه امکانات مذاکره در ابوظبی تحقق یافت. در این زمینه ناخشنودی حکومت ابوظبی از مذاکره سایر امارتها از جمله شارجه و راس الخیمه با ایران کاملاً مشهود است. در حالی که دویی به خاطر حجم فزاینده تجارت خود با ایران و همچنین

شارجه به خاطر میدان مشترک نفتی مبارک با ایران و درآمد حاصل از این حوزه مایل نیستند که با ایران رفتار سخت تری در پیش گرفته شود، اما ابوظبی خواستار برخورد قاطع با ایران است.<sup>(۴)</sup> در همین باره در ابوظبی مسأله جزایر توسط یکی از فرزندان شیخ زاید، شیخ حمدان بجای وزارت خارجه امارات دنبال می‌کند. در سال ۱۹۹۸، در اقدامی که به نظر ایران می‌توانست مثبت ارزیابی گردد، شیخ محمد وزیر دفاع و ولیعهد دومی به ریاست کمیته دائمی مرزهای امارات عربی متحده منصوب شد، اما این کمیته در مسأله جزایر فعال نگردید.

سطح دوم، فعالیت همه جانبه امارات برای کشاندن مسأله به شورای همکاری خلیج فارس بود. امارات پس از یک مجادله طولانی با عربستان، سرانجام در سال ۱۳۷۸ توانست تشکیل کمیته سه جانبه را از شورا چونان یک دستاوردی برای خود ثبت نماید. امارات با این اقدام در نظر داشت که هر چه بیشتر از ابزار شورا برای فشار به ایران استفاده کرده و از ملاحظات ایران در روابط خود با سه کشور عربستان، قطر و عمان بهره‌برداری کند. این اولین اقدام عملی و جدی شورا برای ورود به بحث جزایر بود. از آن پس امارات تلاش بسیار نمود که سطح و درجه روابط هر کدام از کشورهای شورا را به پیشرفت کار کمیته سه جانبه مربوط سازد که در این زمینه تاکنون موفق نگردیده است.

سطح سوم، تبدیل مسأله به یک موضوع مطرح در جهان عرب است که تا کنون با تمسک به کشورهای عضو بیانیه دمشق و همچنین طرح در اتحادیه عرب این کار انجام شده و در آینده نیز احتمال تشدید آن وجود دارد.

سطح چهارم، دخالت سازمان کنفرانس اسلامی در قضیه است. امارات با توجه به ریاست کنونی شیخ قطر بر این سازمان تلاش خواهد نمود که این موضوع در سطح کنفرانس اسلامی نیز مطرح گردد.

سطح پنجم، کشاندن مجدد مسأله به شورای امنیت سازمان ملل متحد است. در ایسن باره همه ساله در نطق وزیر امور خارجه امارات مسأله جزایر گنجانده شده و با

توجه به روش امارات در ارسال و ثبت مواضع خود در سازمان ملل متحد، پیش‌بینی می‌شود که در این زمینه امارات بیش از پیش فعال گردد. در اجلاس ۴۷ مجمع عمومی ملل متحد در ۱۳۷۱، ۱۲ کشور پیرامون جزایر سه گانه به اتخاذ موضع پرداختند. در اجلاس ۴۸، ۸ کشور، اجلاس ۴۹ (۱۳۷۳) ۱۴ کشور، اجلاس ۵۰ (۱۳۷۴) ۱۳ کشور، اجلاس ۵۱ (۱۳۷۵) ۱۶ کشور، اجلاس ۵۲ (۱۳۷۶) ۱۲ کشور، اجلاس ۵۳ (۱۳۷۷) ۱۰ کشور و در اجلاس ۵۴ (۱۳۷۸) ۱۱ کشور به این موضوع اشاره نمودند.

سطح ششم، ارجاع مسأله به دیوان بین‌المللی دادگستری است. این موضوع که در بیانیه شورای همکاری خلیج فارس نیز بدان اشاره شده است و با توجه به بودجه وسیعی که امارات برای برنده شدن در این قضیه اختصاص داده، یکی از آرزوهای حکام امارات است. گرچه از لحاظ حقوقی تنها زمانی قضیه می‌تواند به دیوان ارجاع گردد که دو کشور دارای اختلاف، صلاحیت دیوان را برای بررسی همان قضیه پذیرفته باشند، اما باید توجه داشت که در این زمینه گاه امارات می‌تواند برخی دیگر از کشورها را نیز با خود همراه خود سازد. سعود الفیصل، وزیر خارجه سعودی به روزنامه الوطن می‌گوید: "دیوان بین‌المللی دادگستری بهترین ابزار برای ختم منازعه است، اگر مذاکرات مستقیم ممکن نگردد؛ [چرا که] در این قضیه، ایران، فرصت مذاکرات مستقیم را رد می‌کند."<sup>(۴۱)</sup> تاکنون ایران در مورد احاله موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری نظر منفی داشته است.<sup>(۴۲)</sup>

سطح هفتم، راهبردهای در پیش گرفته ابوظبی برای نزدیک شدن به همسایگان ایران جهت نفوذ هر چه بیشتر در منطقه و همچنین ایجاد فشار همه سویه به ایران می‌باشد. امارات دومین کشور از مجموعه تنها دو کشور در جهان است که دولت طالبان را در کابل به رسمیت شناخته است. همچنین با هزینه امارات، چند هواپیما برای طالبان خریداری شده که علیرغم تحریم هوایی افغانستان در سازمان ملل، پرواز منظم این هواپیماها از فرودگاه دوبی تا نزدیکی مرز افغانستان در خاک پاکستان انجام

می‌شود. از طرف دیگر، نزدیکی امارات و عراق می‌تواند برای ایجاد فشار بر روی ایران به کمک عراق باشد.

سطح هشتم، فعالیت‌های امارات در داخل ایران می‌باشد. این فعالیتها در دو بخش قابل تقسیم بندی است. بخش اول سیاستهای جذبی است. امروزه در روزنامه‌ها و مجلات و آگهی‌های خیابانی در شهرهای ایران به جاذبه‌های خطوط هوایی الامارت و تسهیلات فرودگاه دوبی پرداخته شده و ایرانیان را برای شرکت در جشنواره‌ها و «مهرجان»ها و خرید کالای ارزان فرا می‌خوانند. همچنین با تاسیس شعبه‌های دانشگاه‌های آمریکایی و یا دانشگاه‌های اماراتی با زبان انگلیسی در پی جذب جوانان ایرانی به آن سوی آب هستند. بخش دوم سیاستهای واگرایانه است. سرمایه گذاری و ارسال پول برای اعراب جزیره ابوموسی و اعطای حقوق ماهیانه بدانان از این دست است. همچنین کمک به برخی از فرق غیر شیعی در جنوب کشور و پرداخت هزینه ساخت مساجد و مدارس آنان نیز از این دست به شمار می‌رود.

۲. سیاستهای ایران: مجموعه رفتارها و مواضع جمهوری اسلامی ایران در مورد بیانیه مزبور را می‌توان بصورت زیر دسته‌بندی و راجع به آنان اظهار نظر نمود:

۱- سخنگوی وزارت خارجه ایران، بخش مربوط به جزایر در بیانیه پایانی سران شورای همکاری را غیر واقعی خواند و مجدداً بر آمادگی ایران برای مذاکره مستقیم با امارات تاکید کرد.<sup>(۴۳)</sup> ایران همچنین مخالفت خود با ارجاع مسأله به دیوان بین‌المللی دادگستری را، در حالی که همچنان می‌توان "این عدم توافق کوچک" را از مسیرهای دوجانبه حل نمود، اعلام کرد.<sup>(۴۴)</sup> همچنین ایران در یک حرکت دیگر تمایل خود را به شرکت در پیمان دفاعی مشترک شورای همکاری اعلام داشت. کمال خرازی، وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه با الحیات اعلام کرد که: "اگر چنین پیمانی منعکس کننده خواست کشورهای برای تقویت صلح و امنیت در منطقه آسیب‌پذیری همچون خلیج فارس است، بنابر این، نیرویی همچون ایران را نیز باید شامل شود."<sup>(۴۵)</sup> ایران، موضع

همیشگی خود را این چنین تکرار کرد که "ایران نه کشوری است که چشمداشتی به خاک دیگران دارد و نه اجازه می‌دهد که شانتاژ، تبلیغات، تهدید و فشار سیاسی در باره تمامیت ارضی‌اش کار به جایی برد. از این رو ما کراراً تاکید کرده‌ایم که تنها راه رفع سوء تفاهمات گفتگوی مستقیم است که می‌تواند گره از هر مشکلی بگشاید." (۴۶) وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، موسوی لاری نیز در یک موضعگیری ابراز داشت که "امارات نباید فریب تبلیغات را بخورد، زیرا ایران حتی یک اینچ از خاک خود را به کسی واگذار نخواهد کرد." (۴۷)

۲- در میان صاحب‌نظران در مورد موضع شورای همکاری و پیامدهای آن دو نظر موجود است:

نظر اول آن است که بیانیه شورای همکاری به معنای خاتمه سیاست تشنج زدائی رییس جمهور ایران در منطقه خلیج فارس است. سیاست جدید آقای خاتمی، تاکید او بر گفتگوی تمدنها و سیاست تشنج زدایی، سفر منطقه‌ای وی تغییر لحن مسئولان ایرانی و استفاده از واژه‌های لطیف‌تر و نزدیک‌تر، همکاری‌های ایران و کشورهای منطقه به خصوص با عربستان سعودی، رفت و آمدهای بیشتر و اجازه دادن به مقامات عرب خلیج فارس برای ورود به ایران جهت شکار و... همگی با عدم پاسخ مناسب از طرفهای مقابل رو به رو شده و رهبران کشورهای خلیج فارس همچنان نسبت به سیاستهای ایران در منطقه نامطمئن بوده و در هر موقعیتی بدان اعتراض خواهند نمود. بنابراین سیاست اعتماد سازی ایران در منطقه خلیج فارس پاسخهای لازم را از آن طرف در زمینه‌های کلان در پی نداشته است.

نظر دوم بر آن است که گرچه لحن بیانیه شورا شدید است، اما این به معنای پایبند نبودن کشورهای خلیج فارس به قرارها و تفاهمات با ایران در سالهای اخیر نیست. نکته‌ای که در سخنان این دسته از کارشناسان دیده می‌شود این است که اصولاً در جهان عرب می‌باید مابین مواضع کشورها بصورت انفرادی و در روابط دوجانبه با کشورهای دیگر با نظرات منعکس شده در بیانیه‌های جمعی آنان در سازمانهای



بین‌العربی مانند اتحادیه عرب، گروه دمشق، شورای همکاری و... تفاوت قائل شد. این شیوه کشورهای عربی است که برای تهاجم به کشورهای دیگر از ابزار جمعی استفاده کرده تا مسؤولیت به دوش یک کشور نیفتد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر کشور خلیج فارس مایل است که روابط خوب و گرمی را با ایران داشته باشد و علی‌الخصوص در موضوع جزایر آنها ناچارند که از مواضع امارات در جمع حمایت نمایند، اما مایل نیستند که این مشکل به روابط دوجانبه آنان به ایران گره خورد. بدین ترتیب در ماه‌های آینده، سفر وزیر کشور سعودی، امیر بحرین و سلطان عمان به تهران درجه استحکام روابط ایران و کشورهای مزبور را نشان خواهد داد. ریاست فعلی شورای همکاری در اختیار بحرین است و امیر بحرین در نظر دارد که در سال میلادی جدید از ایران دیدار نماید.

۳- ایران همچنین در یک اقدام مثبت دیگر، از اول بهمن ماه ۱۳۷۹، اجازه داد تا کلیه اتباع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بدون اخذ ووادید بتوانند وارد ایران شوند. برخی از اتباع این کشورها برای بازدید از مناطق سیاحتی ایران و همچنین زیارت به ایران سفر می‌کنند. در طول ۹ ماهه اول سال ۱۳۷۹، ۵۰ هزار نفر کویتی از ایران دیدار کرده‌اند.<sup>(۴۸)</sup> هیچ معلوم نیست که اتخاذ چنین سیاستی در چنین زمانی از چه استراتژی مشخصی در روابط با کشورهای خلیج فارس برخاسته است. گرچه برخی اتخاذ چنین تصمیمی را به قبل از صدور بیانیه شورا نسبت می‌دهند، اما به هر حال اعلام آن در پس از صدور بیانیه، هماهنگی این اقدام با دیگر اقدامات ایران را پرسش برانگیز می‌نماید. اکثر صاحب‌نظران ایرانی در پس از اقدام شورای همکاری بر این عقیده پای می‌فشارند که ایران مناسب است که موضع سخت تری نسبت به مجموعه‌ای که مایل است در پشت نام شورا پنهان شده و چنین سیاستهایی را بگیرد، اتخاذ نماید.<sup>(۴۹)</sup>

۴- گرچه ایران در تلاش برای بهتر کردن روابط اقتصادی با کشورهای عرب خلیج فارس بترتیب اولویت سیاسی است، اما در عمل با توجه به گرایش بخشهای دولتی و خصوصی به معامله با دوبی که سهل‌تر است و همچنین ورود غیر مجاز کالا از طریق

مرزهای جنوبی، اهداف سیاسی ایران محقق نمی‌گردد. در طول سالهای ریاست جمهوری آقای خاتمی تاکید اساسی بر گسترش تجارت با عربستان سعودی بود؛ آمار منتشره در سعودی حاکی از آن است که در حالی که در ۱۹۹۷ حجم تجارت دو کشور ۱۸۶ میلیون دلار بوده است، این مقدار در ۱۹۹۸ به ۱۳۵ و در ۱۹۹۹ به تنها ۹۵ میلیون دلار سقوط کرده است.<sup>(۵۰)</sup>

## نتیجه‌گیری

۱- واقعیت آنست که ایران در عین حال که باید به دقت چنین روندهایی را دنبال نماید، اما از نظر نظامی کاملاً محرز است که نه امارات و نه کشورهای عضو شورای همکاری در اندیشه اقدامات خشونت بار برنخواهند آمد. مجموعه کشورهای خلیج فارس دارای ۱۴ میلیون نفر جمعیت هستند که بخش عمده‌ای از آنان از کشورهای دیگر به این منطقه آمده‌اند. مجموعه نیروی نظامی این کشورها حداکثر ۳۰۰ هزار نفر است. کشوری با ۶۵ میلیون نفر جمعیت و بیش از یک میلیون نفر نیروی نظامی و شبه نظامی با چنین مجموعه‌ای قابل مقایسه نیست.

۲- کشورهای در خارج از منطقه نیز هستند که به نوعی در این قضیه تأثیرگذار نشان می‌دهند. آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان و مصر از این دسته کشورها می‌باشند. در این بخش تنها به دو کشور مصر و انگلستان توجه می‌گردد. بعید نیست که یکی از دلایل تلاش بیشتر امارات برای همراه ساختن کشورهای عضو شورا، واهمه‌ایست که از ارتقای قریب‌الوقوع سطح روابط سیاسی مابین ایران و مصر دارد. هم اکنون در غیاب ادعای رهبری جهان عرب در میان حاکمان عراق، این مصر است که به نوعی مدعی دفاع از منافع کشورهای عربی است. نشانه‌های متعدد مثبت مابین تهران و قاهره که آخرین آن دیدار مفتی و نایب رییس‌الازهر از تهران و سخنان گرم و مثبت رهبری ایران راجع به تمدن اسلامی مصر بود، همگان را به برقراری روابط دو کشور در آینده

نزدیک امیدوار ساخته است. در این صورت امارات یکی از محورهای مهم پشتیبان خود در جهان عرب را متعادل‌تر از گذشته خواهد دید.

در مورد انگلستان نیز نگاهی به مواضع این کشور در گذشته نشان می‌دهد که در سالهای نداشتن رابطه با ایران و یا وجود ارتباط در سطوح پائین، نشانه‌های متعددی از گرایش مقامات انگلیسی به سیاستهای حمایت از ابوظبی به چشم می‌خورد. در حالی که اکنون این چنین نیست. در آخرین تحول، در حالی که در سال ۲۰۰۱، از عمر اسناد وزارت امور خارجه انگلستان در سال ۱۹۷۱ سی سال گذشته و می‌باید مطابق ضوابط این کشور، بایگانی مربوط به اسناد دیپلماسی انگلستان بر روی همه گشوده گردد، مطابق نقل قول محققان، بخش مربوط به مکاتبات و گزارشهای مربوط به جزایر سه‌گانه در بایگانی وزارت خارجه انگلستان همچنان غیر قابل دسترس باقی مانده است. گرچه انتشار اسناد، اغلب در تأیید مواضع کنونی ایران خواهد بود، اما اقدام نامناسب انگلستان می‌توانست انتشار سلیقه‌ای و گزینشی اسناد و مدارک موجود باشد.

۳- واقعیت آن است که امارت عربی متحده در مدت زمان طولانی مابین ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۲ راجع به وضعیت جزایر اعتراض و یا ادعایی را مطرح نکرده است. از طرف دیگر تشکیل و اعلام کمیته سه جانبه میانجی از طرف شورای همکاری خلیج فارس بدون رایزنی و مشورت با یک طرف دعوا یعنی ایران بوده و بر اساس حقوق بین‌الملل، هر نوع اقدامی که مذاکرات دوجانبه مابین ایران و امارات را که بر اساس تفاهم قبلی در نظر گرفته شده به هم زند می‌تواند مورد قبول ایران نباشد.

۴- مهمترین عامل در ادامه حاکمیت ایران بر جزایر و به ویژه ابوموسی فعالیت‌های مبتنی بر مردم شناسی و جامعه شناسی است. در عین حال که اکنون جزیره ابوموسی همچون سایر نقاط کشور دارای اتباع ایرانی است، اما به نظر می‌رسد که توسعه حضور کسانی که بدان آب و خاک علاقه دارند ضروری به نظر می‌رسد.

۵- تفاهمات ایران در مورد جزایر با دو امارت شارجه و رأس‌النخیمه بوده است. سیاست خارجی ایران همچنان می‌باید ارتباط مستقیم خود را با این دو امارت حفظ نماید.

۶- موضوع جزایر از موضوعات یگانه‌ای است که تمامی ایرانیان در داخل و خارج کشور بدان حساسیت دارند؛ از حساسیت ایرانیان خارج از کشور نیز در این زمینه می‌توان بهره برد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## یادداشتها

۱- Schofield, R; "Abu Musa and the Tunbs: Historical Back ground" presented in *Arab Resaerch Centre*, Nov. 18, 1992.

۲- اسکافیلد، ریچارد، مرزها و دولتها در خلیج فارس، اشراقی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۵-

۸۰

۳- Amirahmadi, H (Ed) **Small Islands, Big Politics: The Tonbs and Abu Musa in the Persian Gulf**, St. Martin's Press, New York, 1996, p.162.

۴- McLachlan, K, "Hydrocarbons and Iranian Policies Towards the Gulf States: Confrontation and Cooperation in Islands and Continental Shelf Affairs" in: Schofield, R (Ed); *Territorial Foundations of the Gulf States*, New York, UCL Press, 1994.

۵- MEES, No. 3, Jan. 11, 1993.

۶- از آن جمله می توان به ژنرال آنتونی زینی، فرمانده نیروهای مرکزی آمریکا در خاورمیانه با روزنامه البیان،

مارتین ایندیک، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در مصاحبه با روزنامه الاتحاد، سفیر آمریکا در ابوظبی، مشاور رئیس جمهور آمریکا اشاره داشت.

۷) Abu Musa oil-grab flares again, **Middle East Times Staff**, <http://metimes.com>, Aug. 7, 1999.

۸- Sariolghalam, M.; **Iran's Foreign Policy and U.S.- Iranian Relations**, Policy Brief, Washington, Middle East Institute, Feb. 5, 2001. P. 1.

۹- Afrasiabi, L. K; Dialogue among Civilizations and Iran's Foreign Policy; [www.Payvand.com/news/01/jan/1165.html](http://www.Payvand.com/news/01/jan/1165.html), Jan. 31, 2001.

۱۰- United Arab Emirates: Review 2000; Middle East Review World of Information; Sep. 28, 2000.

۱۱- Overtures from Iran Ignite a Bitter Debate among Arab States by Douglas Jehl, *New York Times*; June 9, 1999.

۱۲- عمان تعلن تضامنا كاملا مع الامارات لاستعادة الجزرى، الحيات، ۱۰ ژوئن ۱۹۹۹.

۱۳- Iran readies to talk with UAE on Persian Gulf islands row, AFP, Dubai, Jan. 18, 2001.

۱۴- GCC Summit Final Statement, Manama, Bahrain Television in Arabic, translated to English by FBIS, Dec. 31, 2000.

۱۵- الاتحاد، دوم ژانویه ۲۰۰۱.

۱۶- GCC vows to take islands dispute to World Court, Gulf News; By Mohammed Noor; Feb. 2, 2001.

۱۷- صفری، مهدی، "آینده روسیه: تداوم یا تغییر در سیاست خارجی"، بولتن معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، مرداد ۱۳۷۹.

۱۸- O'hanlon, M; A Few Tank for Iran; The Washington Post, Dec. 5, 2000.

۱۹- Russia and Iran Renew Military Partnership By Molly Moore; Washington Post; Dec. 29, 2000; Page A01

۲۰- Moscow eyes Tehran arms deal By Robert Cottrell in Moscow, Financial Times, Feb. 12, 2001.

۲۱- UAE president suffers fall at Ohio clinic; Reuters; Sept. 27, 2000.

۲۲- Saudi cabinet approves security accord with Iran, AFP, Jan. 29, 2001.

۲۳- Saudis, Iran to sign security pact, Jane's Defense Weekly, Jan. 17, 2001

۲۴- Iran ready to talk with UAE on Persian Gulf islands row; AFP; Jan. 18, 2001.

۲۵- Foley, S; p. 118.

۲۶- Bahgat, G; "The Geo-politics of Oil: The Case of Iran" Security Dialogue, Winter 2001. p. 4.

۲۷- Powel hints at new overtures to Iran, AFP, Jan. 17, 2001.

۲۸- Six Gulf Nations Sign Defense Pact, New York Times, Dec. 31, 2000.

۲۹- Iraqis Feel Kuwait Is Part of Iraq, Ramadan, Rueters, Cairo, Jan. 17, 2001.

۳۰- Okruhlik & Conge; "The Politics of Border Disputes" in International Journal, Spring 1999, pp. 230-48.

۳۱- Foley, S; p. 117.

۳۲- Military Balance; International Institute for Strategic Studies; London: 2000-01.

۳۳- رائل، آندرو، "تغییر موازنه نظامی در خلیج فارس"، مجموعه سخنرانیهای نهمین همایش بین‌المللی خلیج

فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، اسفند ۱۳۷۷.

۳۴- Hamoud Salhi, "System long overdue", Gulf News, Jan. 9, 2001

۳۵- Bahrain ratifies GCC defense agreement, ArabicNews.com, Jan. 23, 2001.

۳۶- Six Gulf Nations Sign Defense Pact, New York Times, Dec. 31, 2000.

۳۷- --, The Military Balance, 2000-01; IISS; London: Oxford University Press, 2000, P. 130.

۳۸- Feste, Karen; The Iranian Revolution and Political Change in the Arab World, Abu Dhabi: The Emirates Center for Strategic Studies and Research, 1996, p. 15.

۳۹- برای شناخت بیشتر مجموعه همگن عملیات نظامی - دیپلماتیک به کتاب زیر رجوع کنید:

Prins, Gwyn; Strategy, Force Planning and Diplomatic/ Military Operations (DMOs); London: The Royal Institute of International Affairs, 1998.

۴۰- Foley, S, "The UAE: Political Issues and Security Dilemmas" Geopolitics and International Boundaries, Vol. 2 No. 2. 1998. Pp. 102-21.

۴۱- Saudi says World Court could end Iran-UAE row, Reuters, Dubai, Jan. 8, 2001.

۴۲- Iran rules out court for Gulf island dispute; Reuters; Jan. 10, 2001.

۴۳- Iran and Iraq angered by GCC, BBC World Service, Jan. 1, 2001.

۴۴- Iran rules out court for Gulf island dispute, Reuters, Jan. 10, 2001.

۴۵- Iran regrets Persian Gulf defense pact, AFP, Dubai Jan. 18, 2001.

۴۶- سخنرانی وزیر امور خارجه ایران در همایش بین المللی جایگاه خلیج فارس در مناسبات جدید جهانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، دی ماه ۱۳۷۹.

۴۷- Iran says Gulf states important power, not just oil wells for West, AFP, Tehran, Jan. 7, 2001.

۴۸- Iran clears Persian Gulf states of visa requirement, IRNA, Kuwait City, Jan. 17, 2000.

۴۹- Iranian Academic on the situation in the Persian Gulf, Iran Daily; BBC Monitoring, Jan. 6, 2001.

۵۰- Saudi calls for moves to halt decline in trade with Iran, AFP, Riyadh, Jan. 16, 2001.



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني